



---

## Examining the Anti-Hero's Action in the Actantial–Tensive System of Greimas in Tayeb Salih's Novel *The Wedding of Zein*

Zahra Golabi Zadeh<sup>1</sup>, Hamidreza Shairi<sup>2</sup>, Naser Nikobakkht<sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Professor, Department of French Language, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

<sup>3</sup> Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

---

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**  
**Research Article**

**Received:**  
**17/01/2026**

**Accepted:**  
**17/02/2026**

Tayeb Salih's novel *The Wedding of Zein* is a landmark work of contemporary Arabic literature that presents a symbolic and multilayered structure of human relations by portraying the social and cultural life of Sudanese villages. The character of Zein, due to his unconventional behavior, unique social position, and manner of interacting with others, deviates from the classical heroic model and emerges as a figure close to an anti-hero. Drawing on the Paris School's semiotic approach and utilizing Greimas's actantial model, this study examines Zein's actions in connection with the actantial and tensive systems within the narrative. The research adopts a descriptive-analytical method, and data were collected through library-based sources. The findings reveal that Zein's actions in many instances do not follow the conventional heroic pattern, and his behaviors appear as a kind of rupture in the narrative order. These ruptures, particularly in moments such as Zein's sudden cries, create semantic tension within the narrative and facilitate the transition from one semantic state to another. Consequently, Zein's character not only plays a significant role in advancing the narrative at the level of the actantial system but also, at the level of the tensive system, contributes essentially to the formation of meaning and the transformation of narrative relations by generating emotional and tension-based rhythms.

**Keywords:** *Anti-Hero, Semiotics, Actantial System, Tensive System, Tayeb Salih, The Wedding of Zein.*

---

**Cite this article:** Golabi Zadeh, Z. & Shairi, H. & Nikobakkht, N (2026). *The Anti Hero's Action in the Actantial–Tensive System in Tayeb Salih's "The Wedding of Zein"*, year2, issue2, Pp 271-299.

DOI: 10.22034/jisall.2026.579026.1113

© The Author(s).

**Publisher:** University of Zabol

---



**\*Corresponding Author:** Zahra Golabi Zadeh

**Address:** PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

**E-mail:** g\_zahra@modares.ac.ir



بررسی کنش ضدقهرمان در نظام کنشی-شوشی گرماس در رمان «عرس الزین» اثر طیب صالح

زهرا گلابی‌زاده<sup>۱\*</sup>، حمیدرضا شعیری<sup>۲</sup>، ناصر نیکوبخت<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استاد، گروه زبان فرانسه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۴/۱۰/۲۸

پذیرش:

۱۴۰۴/۱۱/۲۹

رمان «عرس الزین» اثر طیب صالح از آثار شاخص ادبیات معاصر عربی است که با بازنمایی زندگی اجتماعی و فرهنگی روستاهای سودان، ساختاری نمادین و چندلایه از روابط انسانی ارائه می‌دهد. شخصیت زین در این روایت، به دلیل رفتارهای غیرمتعارف، موقعیت اجتماعی خاص و شیوه تعامل با دیگران، از الگوی قهرمان کلاسیک فاصله می‌گیرد و در قالب شخصیتی نزدیک به ضدقهرمان ظاهر می‌شود. پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد نشانه‌معناشناسی مکتب پاریس و با استفاده از الگوی کنشی گرماس، به بررسی کنش‌های شخصیت زین در پیوند با نظام کنشی و نظام شوشی در این داستان می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کنش‌های زین در بسیاری از موارد از الگوی متعارف قهرمانانه پیروی نمی‌کند و رفتارهای او به صورت نوعی گسست در نظم روایی ظاهر می‌شود. این گسست‌ها، به‌ویژه در لحظاتی مانند نعره‌های ناگهانی زین، سبب ایجاد تنش معنایی در روایت شده و زمینه‌گذار از یک وضعیت معنایی به وضعیت دیگر را فراهم می‌آورد. در نتیجه، شخصیت زین نه‌تنها در سطح نظام کنشی نقش مهمی در پیشبرد روایت دارد، بلکه در سطح نظام شوشی نیز با ایجاد ریتم‌های عاطفی و تنشی، در شکل‌گیری معنا و دگرگونی روابط روایی داستان نقش اساسی ایفا می‌کند.

**کلمات کلیدی:** ضدقهرمان، نشانه‌معناشناسی، نظام کنشی، نظام شوشی، «عرس الزین»، طیب صالح.

**استناد:** گلابی‌زاده، ز. شعیری، ح. نیکوبخت، ن. (۱۴۰۴). بررسی کنش ضدقهرمان در نظام کنشی-شوشی گرماس در رمان «عرس الزین» اثر طیب صالح، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۷۱-۲۹۹.

DOI: 10.22034/jisall.2026.579026.1113



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

## ۱. مقدمه

رمان «عرس الزین» اثر ماندگار طیب صالح، یکی از آثار برجسته ادبیات عرب است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، همزمان با تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی سودان، نگاشته شده است. این دوره در سودان، با تقابل فزاینده میان سنت‌های ریشه‌دار روستایی و نفوذ الگوهای مدرنیته پس از استعمار همراه بود. صالح در این اثر، با مهارت بی‌نظیری، تصویری از جامعه‌ای روستایی را به نمایش می‌گذارد که در آن ارزش‌ها، باورها و روابط انسانی در کشمکش دائمی میان گذشته و آینده، تقدس و ابتذال قرار دارند. شخصیت «زین»، با کنش‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردش، نمادی از این تعارضات و پیچیدگی‌هاست و درک او بدون توجه به این بافتار اجتماعی-فرهنگی، کامل نخواهد بود.

مسئله اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی شکل‌گیری و معنای شخصیت «زین» در رمان «عرس الزین» است. زین، قهرمان نامتعارفی است که اعمال و رفتارهای او در بسیاری موارد از الگوهای سنتی قهرمانی فاصله می‌گیرد و او را در جایگاه یک «ضدقهرمان» قرار می‌دهد. اگرچه تاکنون پژوهش‌های متعددی از منظرهای گوناگون به رمان «عرس الزین» پرداخته‌اند، اما تحلیل جامع و دقیق شخصیت زین با تمرکز بر تعامل «نظام کنشی» (مبتنی بر عمل و ساختارهای روایی) و «نظام شوشی» (مبتنی بر تنش، احساسات و حالت‌های ذهنی) در چارچوب نظری نشانه‌معناشناسی گرماس، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش در صدد است تا با واکاوی این دو نظام و ارتباط میان آن‌ها، به درک عمیق‌تری از ابعاد وجودی و کارکرد معنایی این شخصیت پیچیده دست یابد و خلأ موجود در مطالعات پیشین را پر کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. شخصیت زین در الگوی کنشی گرماس چه جایگاهی دارد و چگونه به عنوان یک ضدقهرمان در روایت بازنمایی می‌شود؟
۲. نسبت میان نظام کنشی و نظام شوشی در فرایند شکل‌گیری و معنایابی شخصیت زین چگونه تبیین می‌گردد؟
۳. «نعره» به عنوان یک گسست روایی و پدیده‌ای شوشی، چه کارکرد نشانه‌ای در انتقال زین از یک نظام معنایی به نظام معنایی دیگر ایفا می‌کند؟

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

طیب صالح نویسنده بزرگ و شناخته شده‌ای است اما تحقیقاتی که درباره این اثر او به زبان فارسی صورت گرفته اندک است. کتاب دیگر او به نام موسم هجرت به شمال بیشتر از این اثر مورد تحلیل پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. «عرس الزین» در زبان فارسی و در مقاله‌ای با رویکرد

گفتمان انتقادی فرکلاف مورد سنجش قرار گرفته است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل مولفه های صدا، هویت و عاملیت در داستان عرس الزین» با تاکید بر نظریات فرودست پسااستعماری اسپواک از چگینی و قوامی در حوزه مطالعات فرهنگی و ادبی انجام شده است. با وجود پژوهش‌های انجام شده درباره آثار طیب صالح و رمان عرس الزین، شخصیت زین از منظر نشانه‌معناشناسی و در چارچوب نسبت میان نظام کنشی و نظام شوشی مورد بررسی قرار نگرفته است.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱ رابطه شخصیت با کنش در نظام کنشی

رابطه میان «شخصیت» و «کنش» یکی از مهمترین مسائل حوزه روایت‌شناسی است. بسیاری چون فلودرنیک روایت را با استفاده از عنصر تاثیرگذار شخصیت تعریف می‌کند:

«معیاری که روایت را حقیقتاً به روایت بدل می‌کند، حضور قهرمانی انسانی و یا شبه انسانی در کانون روایت است. روایت شناسان اتفاق نظر دارند که روایت‌های واقعی آن دسته از روایت‌هایی هستند که قهرمانان انسانی و یا قهرمانی شبه انسانی دارند. حتی اگر تمامی، روایت‌ها، افکار شخصیت‌ها را در مرکز داستان قرار ندهند، بازنمایی جهان درونی شخصیت اصلی از خصوصیات روایت داستانی است.» (فلودرنیک، ۱۳۹۲: ۷۲) پیوند میان کنش و شخصیت و داستان چنان در هم تنیده و استوار است که برخی حتی روایت را همان شخصیت تعریف می‌کنند تا جایی که هنری جیمز در مقاله «هنر داستان» ادعا می‌کند: «شخصیت چیست جز تجلی کنش؟ و کنش چیست جز ترسیم شخصیت؟ یک تابلو یا یک رمان اگر توصیف کارکترها نیست، پس چیست؟» (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۸۴).

از خلال این سخنان دو ایده اصلی آشکار می‌شود. یکی پیوند عناصر داستان؛ یعنی کنش تماماً وابسته به شخصیت است و برعکس. و نکته بعدی این مورد که گویا یکی از آن دو نسبت به آن دیگری اهمیت بیشتری دارد. گویا کنش نیز توصیف شخصیت است و کنش نیز در محدوده همان شخصیت تعریف می‌شود. در مورد کنش و روایت نیز می‌توان دو حالت را ترسیم کرد: یک دسته آنهایی که حالتی را به تصویر می‌کشند (تعادل یا عدم تعادل) و دسته دیگر نیز آن‌ها که گذار از یک حالت به حالت دیگر را ترسیم می‌کنند. نوع اول، نسبتاً ایستا و ساکن، و می‌شود گفت تکراری است: یعنی این که یک گونه، از کنش می‌تواند تا بینهایت تکرار شود. در عوض، نوع دوم، پویاست و اصولاً یکبار اتفاق نمی‌افتد. (تودورف، ۱۳۸۸: ۶۷).

در رمان «عرس الزین» پیوند میان کنش کنشگران و روایت از همان ابتدا با انتشار خبر عروسی زین ظاهرمتعادلی به خود می‌گیرد. در ادامه برای مخاطب آشکار می‌شود که چیزی به جز عروسی زین مساله ساز نبوده که آن هم حل شده است. جالب این است که آخرین اتفاقی هم که داستان با آن به

پایان میرسد هم ترسیم صحنه عروسی زین است. شخصیت حلیمه که در قصه فقط در آغاز و پایان شاهد کنشی از او هستیم در هر دو صحنه حضور دارد. در ابتدا او از نعمتی که (شیر) دارد دریغ و کم فروشی می‌کند اما در پایان خود برای گرفتن نعمت راهی خوانی می‌شود که برای عروسی زین مهیا شده است:

آغاز:

این حرف های حلیمه شیرفروش به آینه بود که طبق عادت صبح‌ها پیش از طلوع آفتاب برای خرید شیر می‌آمد. حلیمه همان طور که یک قروش شیر می‌کشید، گفت: «راستی این خبر را شنیده‌اید که زین می‌خواهد ازدواج کند؟» ظرف شیر داشت از دست آینه می‌افتاد. حلیمه از حواس پرتی‌اش استفاده کرد و شیر کمتری به او داد. (صالح، ۱۳۹۵: ۱۱).

پایان:

«ایوه، ایوه، اییبویا» این صدای حلیمه شیرفروش بود که به امید خیر و منفعتی از طرف خانواده عروس هلله و شادی می‌کرد» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

دیگر اینکه، شخصیت‌هایی که در این روایت مبینیم از خلال کنش‌هایی که انجام می‌دهند، نمادین می‌شوند. تلاش فاتحانه و به سوی مقصود پیش‌رونده از شخصیت محوری داستان یعنی زین به سوی ارزشی به نام ازدواج او را در نظامی ایجابی و تجویزی قرار می‌دهد. او تبدیل به ماشینی شده که می‌خواهد ازدواج کند. این نوع نگاه قهرمان یا به تعبیری دیگر ضدقهرمان روایت را همسنگ قهرمانان کلاسیک قرار می‌دهد. زوایای قرینه شخصیت زین نیز از او کنشگری با ویژگیهای ضدقهرمانانه و کنشهایی پارادوکسیکال می‌سازد. در جدول زیر به صورت خلاصه برخی ویژگیهای تناقض آمیز شخصیت زین آورده شده‌اند. معیار انتخاب این شواهد متنی، میزان تأثیرگذاری آن‌ها در تغییر وضعیت شخصیت و پتانسیل آن‌ها در بازنمایی تقابل‌های دوگانه (قهرمان/ضدقهرمان) بوده است تا روایی بودن فرآیند معنا در متن به اثبات برسد:

نشانه‌های کنش‌های مثبت زین (قهرمان)	نشانه‌های کنش‌های منفی زین (ضدقهرمان)
-------------------------------------	---------------------------------------

<p>پیوند زین با طبیعت: اغلب صحنه هایی که زین در آنهاست طبیعت است. گویی او خود را جزئی از طبیعت میداند: «در میانه روز او را مبینی که روی بیلش خم شده و همینطور که عرق از چهار ستون بدنش میریزد ناگهان بیل را رها می کند و با صدای بلندی می گوید: من کشته عشق زین دختر محجوبم.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۰)</p>	<p>شکم بارگی: «توی عروسی سعید زین مسئول بردن غذا بود. او میان میزها، جایی که مهمان ها نشسته بودند و آشپزخانه پشت خانه، جایی که زنان مشغول پخت و پز بودند، در رفت و آمد بود. بین راه آشپزخانه تا میز پذیرایی گوشه ای می ایستاد و بهترین تکه های غذا را می خورد. طوری که وقتی به مهمان ها میرسید بشقاب ها نیمه خالی بود.» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۶)</p>
<p>نیروی بدنی فوق العاده: «...مردم به خاطر آوردند که چطور یک بار در همین حالت توی مزرعه گوساله را از شاخ هایش گرفت و مثل بسته ای کاره او را از زمین بلند کرد و با عصبانیت به زمین کوبید. طوری که تمام استخوان هایش شکست و یک بار دیگر توی همین عصبانیت هایش درخت اقایای بزرگی را مثل بوته ای ذرت از ریشه کند. این جسم لاغر و نحیف قدرتی خارق العاده و مافوق بشری دارد. سیف الدین کسی بود که طعمه زین شده بود و حالا زیر دست و پای او بدون هیچ امیدی داشت از بین میرفت.» (صالح، ۱۳۹۵: ۴۷)</p>	<p>اقدامات خلاف شرع و عرف و اخلاق: «در بین زن ها عروس را دیدم، دختری کوچولو و خوشگل با بویی خوش و ترگل ورگل و لباسهای زیبا... خب بعدش چه شد. تو چه کردی؟ بعدش من خودم را انداختم روی عروس. ... من عروس را بغل کردم و لبهاشو گاز گرفتم.» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۸)</p>
<p>نفس تهذیب یافته یا بی اعتنایی به آنچه از دست میرود: «زبانش مرتب به یاد دختران میچرخید و صدایشان میزد بافاصله گوشها به سویی که او حرکت می کرد خیره میشدو بد از میان آن ها سوارکاری پیدا میشد که دستش را به سوی دختر زیبا دراز می کرد و دستش را میگرفت. اگر به سراغ زین مرفتی میدید مشغول پر کردن مکوزه یا ظرف دختران است یا با یقه باز و تبر به دست میان حیاط</p>	<p>تعصبات مذهب گونه: «... بعد از آشپزخانه بیرون آمدم و داخل اتاقی شدم که یک مشت زن با عطر و روغن های خوشبو و وسایل آرایشی دور هم جمع شده بودند. با خودم گفتم باید زنی که با بوی عطرش مرا مست می کند، طلاق دهم.» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۸)</p>

<p>مشغول شکستن هیزم.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۵)</p>	
<p>دوستی با حنین شخصیت مثبت داستان: «ام زین همیشه میگفت پسرش یکی از اولیا خداست. و این عقیده به خاطر دوستی با حنین بیشتر تقویت میشد. حنین مرد دیندار و عابدی بود که بیشتر وقتش را به عبادت سپری می‌کرد. او شش ماه از سال را توی ده به نماز و شش ماده دیگر ا در بیابان ها میگذارند و دیگر کسی او را نمیدید.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۷)</p>	<p>اقدامات غیرمنطقی آسیب رسان: «زین یک مرتبه از جایش بلند شد و ایستاد. انگار عقرب نیشش زده باشد. بلافاصله احمد اسماعیل هم از جایش بلند شد. محجوب و ود الریس هم از جایشان بلند شدند. محجوب و طاهر و حمد ودالریس هم از جایشان بلند شدند. عبدالحفیظ فریاد زد: «او را بگیرید!» اما او چابک تر از آن بود و در یک چشم به هم زدن مردی را گرفت و روی دستانش بالا برد و توی هوا چرخاند و محکم بر زمین زد. گلویش را گرفته بود و فشار میداد. همگی روی زین خم شده بودند. احمد اسماعیل دست راستش را گرفته بود عبدالحفیظ بازوی چپش را و طاهر الرواسی کمرش را محکم چسبیده بود. حمدودالریس میچ پایش را میکشید اما هر کاری کردند نتوانستند او را از روی مرد کنار بزنند. نیروی عجیب و وحشتناکی در بدن لاغر و ناتوان او رخنه کرده بود، که هیچ کس یارای مقابله با او را نداشت. همه اهل محل از نیروی رعب انگیز او خبر داشتند و با وحشت به او نگاه می‌کردند. خانواده زین همه تلاششان را کردند تا او به کسی آسیبی نرساند.» (صالح، ۱۳۹۵: ۴۶)</p>
<p>ویژگی های پیامبرگونه: مردم روستا این کارهای زین را می‌دیدند و بیشتر تعجب می‌کردند. شاید او مثل خضر یکی از پیامبران خدا باشد شاید هم فرشته‌ای در قالب آدمی که از سوی خدا فرستاده شده تا یادآور بندگان صالحی باشد که قلب بزرگی دارند.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۹)</p>	<p>بلاهت: «زین با دیدن او سر جایش میخ کوب شد. آوازه زین به هم جا رسیده بود، حتی اعراب بادیه نشین قوز و دختر که چیزهایی در باره او شنیده بودند با دیدنش لبخندی زد و به شوخی گفت: «زین با من ازدواج میکنی؟»</p>

<p>توانایی باز کردن بخت دختران: «اما حلیمه دختر زیبای قوز باعث دلباختگی او شده بود. زین دست از سر او برنداشت تا اینکه او هم ازدواج کرد. مردم خبرهای زیادی از حلیمه و زیبایی او می شنیدند ثروتمندان روستا و جوانان سرشناس و خانواده دار او را از پدرش خواستگاری می کردند ت بالاخره با پسر قاضی ازدواج کرد. زدواج دختر کدخدا و حلیمه نقطه عطفی در زندگی زین بود. مادران دختران جوان به اهمیت زین پی برده بودند. آن ها به ذهنشان خطور کرده بود که زین شیپور خوبی برای تبلیغ دخترانشان در میان جوانان و و خانواده های سنتی است. چون اغلب دختران از نگاه پسران جوان دور میمانند و زین وسیله خوبی برای تبلیغ آن ها بود.» (صالح، ۱۳۹۵: ۴۴)</p>	<p>مجلس گرم کنی: «ای صاحبان مجلس عروسی مردم که برقصید زین پیش شما آمده...» فوراً میان دایره رقص می پرید و فضای جلسه را پر از شادی و شور می کرد و به مجلس عروسی نشاط تازه ای میداد و از دور و نزدیک صدای مردم را میشنید که به او خیرمقدم می گفتند...» (صالح، ۱۳۹۵: ۴۲)</p>
<p>مفید بودن برای جامعه: وقتی هم که عروسی سر میگرفت اگر به سراغ زین میرفتی میدیدی مشغول پرکردن کوزه یا ظرف دختران است؛ با یقه باز و تبر به دست میان حیاط مشغول شکستن هیزم یا توی اشپزخانه میان زنان میچرخد و با آن ها شوخی می کند. (صالح، ۱۳۹۵: ۲۴)</p>	

ما بر اساس همین تضادهای دوگانه و تعلیقی که در مسیر او برای تحقق هدفش رخ داده است او را شخصیتی ضدقهرمان نام داده ایم. طرحواره فرآیندی تعلیق که بر قهرمان به صورت ناخواسته و بر اساس فشار عوامل بیرونی عارض می شود در واقع اینجا مطلوب شخصیت ضدقهرمان زین است. بعد از زین می توان از حنین به عنوان مهم ترین شخصیت روایت نام برد. اگر چه او حضور پررنگی در داستان ندارد نقش مهمی در کنشگری زین دارد. او در واقع، نقش انگیزشی برای تغییر را برای تغییر کنشگران ایفا می کند. علاوه بر اثر مستقیمی که او برای هدایت زین برعهده دارد؛ به طور خاص تغییر شخصیت سیف الدین نیز، اساساً بخاطر وجود حنین است. حنین مردی خاص و صوفی مسلک است که تنها دوست زین است. حنین برای دو شخصیت از روایت زین نقش کنشگزار را ایفا

می‌کند. سیف الدین و زین، زین بسیار تحت تاثیر حنین بود و چه در طول کنش هایی که از او سر می‌زند نزدیک ترین فرد به حنین است. «توی ده تنها یک نفر با حنین رابطه ای صمیم داشت و با او گرم می‌گرفت و صحبت می‌کرد. او کسی نبود جز زین.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۸)

حتی تغییر وضعیت او - که با توصیفات نمادینی از چهره ای خندان در آغاز تولد و در طول زندگی اش، به وضعیتی گریان در عروسی اش و پایان داستان میرسد - نمادی از هوشیار شدن اوست. گواهی از به تعدیل رسیدن شخصیت او بر اثر تجربه فقدان. وقتی زین در روز عروسی اش غیب می‌شود و محبوب او را کنار قبر حنین با چنین وضعیتی می‌بیند:

«زین جواب نمیداد و بلند بلند گریه می‌کرد. طوری که صدای گریه‌اش تبدیل به عربده شده بود. مدتی مات و مبهوت به او نگاه کردند. سپس زین با صدایی بریده بریده در حالی که گریه می‌کرد گفت: اگر پدر مهربان ما حنین نمرده بود، حالا در جشن عروسی ام شرکت می‌کرد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۱۱)

سیف‌الدین پسر بدوی طلا‌ساز مردی مذهبی و درستکار است. او خانه را بر خلاف میل پدر ترک می‌کند و می‌خواهد با فاحشه‌ای ازدواج کند. دائم‌الخمر و ساکن میخانه‌ها می‌شود. خانواده اش را آزار می‌دهد. فسق و فجور می‌کند. بر خلاف پدرش که مردی مذهبی بوده و سر نماز تراویح از دنیا می‌رود، او هیچ اعتنایی به مذهب ندارد، اما ناگهان تحت تاثیر حنین واقع می‌شود و زندگی اش به طور کامل تغییر می‌کند و نزد مادرش برمیگردد و جلوی تمام اعضای خانواده اش توبه می‌کند. شراب را ترک می‌کند. به نماز روی می‌آورد و مسجد را تعمیر می‌کند و حج می‌آورد.

«تغییر معجزه آسای سیف الدین آغاز رخداد عجیبی بود که پی در پی و پشت سر هم در آن سال اتفاق افتاد... معجزه هایی پی در پی و پشت سر هم که همه آنها را به چشم میدیدند و همه اینها به حنین مربوط میشد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۶۲)

در واقع شروع تمام معجزات در روستا از شبی است که سیف الدین و زین به جان هم می‌افتند و سعید مغازه دار میرود تا آن دو را از هم جدا کند. همزمان پیش نماز مسجد پس از خواندن نماز در حال خواندن قسمتی از سوره مریم است. در آن شب حنین روبروی دوستان زین می‌ایستد و می‌گوید: «خدا به همه شما برکت دهد. خدا برکتش را به شما ارزانی دارد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۷۱)

در این جا کنشگزار حنین است و کنش پذیر سیف الدین.

## ۲-۱-۱ نیروهای مخالف

در رمان «عرس الزین»، بار زیادی از برهم کنش‌ها بر دوش اسم‌های شخصیت هاست و هر عاملی با توجه به نامی که دارد دست به اقداماتی می‌زند. جالب توجه است که در تمام طول روایت، نام دو نفر در قصه ذکر نمی‌شود و برای نامیدنشان از عناوین رسمی شان استفاده می‌شود: یکی مدیر مدرسه که

علی‌رغم سن زیاد، عاشق نعیمه است و دیگری هم امام جماعت مسجد. یکی روبروی نعیمه است و دیگری روبروی زین. نیروهایی که این محور بر هم وارد می‌کنند چه بصورت کنش مستقیم و ذکر شده در متن (مثل رویارویی امام جماعت به صورت مستقیم با زین) چه به صورت برون متنی و ناملموس مثل نعیمه و امام جماعت، کاملاً در راه یافتن فضای انرژی قصه به درون متن موثر است. هر دو طرف برای پیشبرد عمل خود با موانعی روبرو می‌شوند. پدر نعیمه یعنی حاج ابراهیم مخالف ازدواج و حتی طرح این موضوع با نعیمه است و زین نیز برغم شباهت‌هایی که پیشوایش حنین، با امام جماعت دارد روبروی او می‌یاستند.

برای مثال می‌توان به کنش میان امام جماعت در برابر حنین اشاره کرد. در واقعه توبه سیف‌الدین که تحت‌تاثیر حنین اتفاق افتاده بود امام جماعت به شکل خاص خود دست به بهره برداری می‌زند. او مرتب در خطبه‌هایش می‌گوید که مردم او را مطمحن نظر قرار دهند تا توبه کنند و به آخرت متوجه شوند:

«حالا که سیف‌الدین به راه راست بازگشته بود کلمات و جملاتش آتشین و قوی تر شده بود. امام مرتب در خطبه‌هایش سیف‌الدین را مثال زنده‌ای یاد می‌کرد و میگفت: دیدید که چگونه به راه خیر برگشته و رستگاه شده؟» البته امام جماعت هیچ توجهی به این موضوع نداشت که حنین با نشان دادن بخش پوشیده جهان عرفانی به سیف‌الدین اسباب توبه او را فراهم آورده است. به هر حال این چیزی بود که امام در صحبت‌هایش به هیچ‌رو به آن اعتراف نمی‌کرد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۸۴)

همچنین به صورت بسیار تلویحی می‌توان از متن برداشت کرد که امام جماعت هم خواهان نعیمه بوده است:

«امام در مورد ازدواج زین با نعیمه دختر حاج ابراهیم هم نظر ویژه خودش را داشت.» (صالح، ۱۳۹۵: ۸۵)

«ودالریس گفت: امام به تو حسودی می‌کند او می‌خواهد خودش این دختر را بگیرد.» زین گفت: او دختر عمومی من است. مگر نه؟! او برود دختر عمومی خودش را بگیرد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۹۴)

در اینجا می‌توان گفت که عامل انگیزشی دوست حنین یعنی زین، در معرض سرقت امام جماعت قرار می‌گیرد و همین عامل دو نیروی مخالف را روبروی هم قرار می‌دهد.

از سوی دیگر رابطه نام شخصیت‌های داستان، با کنش‌ها و نقش‌هایی که در روایت به عهده می‌گیرند قابل بررسی است. نام زین خود به معنی خوب و سالم است اما او با چهره‌ای نازیبا برای خواننده وصف می‌شود:

«زین چهره‌ای کشیده و مستطیلی داشت. استخوان‌های گونه و فک و زیر چشمش برآمده بود. با پیشانی برجسته و گرد. چشم‌های کوچک و سرخ، چون کاسه خون بودند.» (صالح، ۱۳۹۵: ۴۴)

در عوض شخصیت دیگری به نام عبدالحفیظ وظیفه آرام کردن افراد و حفظ کردن رابطه‌ها را بر عهده دارد:

«در همین لحظه است که عبدالحفیظ فریاد می‌زند او را بگیرید. باید زین را دکتر برد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۴۳) در اینجا کنش شخصیت به نام او دلالت داده می‌شود و رابطه‌ای را می‌سازد این نمادین شدن از طریق نام کنشگران تقریباً با تمام شخصیت‌ها قصه هم ارزی قابل مشاهده دارد... به طور مثال در جدول زیر می‌توان به برخی از آنها اشاره کنیم:

نام	معنای نام	ویژگیهای شخصیت
زین	خوب و زیبا و سالم	زین انسان خوبی است اما از نظر ظاهری زیبا نیست. دندان‌هایش ریخته و لاغر است اما در لحظاتی بسیار پر قدرت است.
حنین	مهربان	به اعتقاد مردم روستا او انسانی مقدس است. با همه به جز امام جماعت رفتار خوبی دارد.
سیف‌الدین	شمشیر دین	در ابتدای داستان او فردی دائم‌الخمر و فاسق است اما در انتهای داستان توبه می‌کند و آداب و مناسک دینی به جای می‌آورد.
حلیمه	بردبار	او شیر فروش دهکده است. پیوند نام او با کلمه «حلیب» در عربی به معنای شیر جالب توجه است. مساله دیگر ارتباط نام حلیمه با تعلیقی است که در داستان پیش می‌آید. همانطور که ذکر شد این شخصیت هم در آغاز و هم در پایان قصه نقش دارد و میان این دو حضور، شخصیت زین در تعلیق به سر می‌برد.

ملاحظه می‌شود که در جدول بالا رابطه نام و کنش شخصیت‌ها، الزاماً مستقیم نیست اما به هر حال می‌توان این رابطه را به نحوی ملاحظه کرد. (شاید بتوان با آوردن تمام نام‌ها و کنش‌هایشان به رابطه‌ای بین کنش و نام کنشگر پی برد. اما در همین جدول می‌توان مشاهده کرد که این نام به طرز بی‌شخصیت کنشگر در رابطه است.)

در «عرس الزین» ما چه در ابتدا و چه در انتها در خود زین در واقع مهم‌ترین کنشگر است و ازدواج برای او نقش سوژه ارزشی را ایفا می‌کند. کنشگری که در بستر عواملی پویا به ایفای نقش می‌پردازد.

## ۲-۱-۲. ضدقهرمان

«پروتاگونیست» یا «ضدقهرمان» شخصیتی است که در شعر، حکایت یا داستان، فاقد خصوصیات پیش‌فرضی است که معمولاً برای قهرمان کلاسیک تعریف می‌شود؛ با این حال، می‌تواند در جایگاه شخصیت اصلی روایت نیز قرار گیرد (دایره‌المعارف بریتانیکا). این اصطلاح اگرچه به‌صورت خاص پس از دوران مدرنیسم پدیدار شد، اما ریشه‌های اندیشه آن را می‌توان در متون ادبی کهن نیز پی گرفت. ایده وجود قهرمانی که برخلاف قهرمان ایده‌آل کلاسیک، ضعیف‌تر، ناتوان‌تر یا دارای نقص و نزلت انسانی باشد، از دیرباز برای نویسندگان و مخاطبان جذاب بوده است.

شخصیت ضدقهرمان نمی‌تواند ساده یا ماشینی باشد؛ زیرا شخصیت‌های مسطح و تک‌ساحتی، ظرفیت محدودی برای آفرینش تناقض دارند و کنش‌هایشان عمدتاً قابل پیش‌بینی است. در مقابل، ضدقهرمان الزاماً شخصیتی پیچیده و چندوجهی است. چنان‌که ابوت تصریح می‌کند، «شخصیت‌های پیچیده، عمیق‌اند و دربرگیرنده لایه‌های گوناگون معنایی؛ از این رو، نمی‌توان آن‌ها را در یک عبارت خلاصه کرد.» (ابوت، ۲۰۰۸: ۲۴۰). در تحلیل روایی، در کنار نظام کنشی که مبتنی بر کارکرد، هدف و کنش تعاملی شخصیت‌هاست، نظام شوشی نیز قرار دارد؛ نظامی که ابعاد عاطفی، انگیزشی و تنش‌های درونی کنشگران را در روایت برجسته می‌سازد. کارکرد این دو نظام همیشه مجزا نبوده و در اغلب روایت‌های پیچیده، به‌ویژه در مورد شخصیت ضدقهرمان، لایه‌های کنشی و شوشی به‌شدت درهم‌تنیده‌اند. به دیگر بیان، معنا و کارکرد روایی یک شخصیت نه صرفاً از خلال «کنش‌های بیرونی»، بلکه با در نظر گرفتن «وضعیت‌های احساسی، تردیدها، اضطراب‌ها و کشمکش‌های باطنی» او قابل فهم است. این تعامل و هم‌پوشانی، موجب می‌شود که ضدقهرمان نه‌تنها در بستر کنش و جریان روایت، بلکه در سطح «تجربه زیسته و عواطف متناقض انسانی»، جلوه‌ای چندوجهی و پیچیده بیابد. از این منظر، تحلیل ضدقهرمان بدون لحاظ نسبتی پویا میان نظام کنشی و نظام شوشی، تحلیلی ناقص و تک‌بعدی خواهد بود. احتمالاً جذابیت ضدقهرمان‌ها نیز از همین پیچیدگی برخاسته است؛ زیرا به‌زعم منتقدان، این شخصیت‌ها به واقعیت انسان‌ها نزدیک‌ترند.

نکته قابل‌تأمل آن است که ضدقهرمان، در اغلب موارد، نمی‌تواند و نباید به‌صورت یک تیپ روایی ساده‌سازی شود. هرچند تمام شخصیت‌پردازی‌ها، حتی در عمیق‌ترین روایت‌ها، ناگزیر حاوی درجه‌ای از ساده‌سازی‌اند؛ اما مسئله اساسی برای واقعی‌نمایی شخصیت، پرهیز از تیپ‌سازی افراطی است. همان‌گونه که ابوت یادآور می‌شود: «وقتی آدم‌های واقعی را در قالب تیپ می‌ریزیم، ناگزیر دست به ساده‌سازی می‌زنیم؛ و دست‌کم می‌توان گفت که تیپ‌سازی کامل، مجال بروز تمامی ابعاد انسانی را نمی‌دهد.» (همان: ۲۴۴)

شخصیت زین، قهرمان رمان «عرس الزین»، از این رو مصداقی روشن از ضدقهرمان است که هم در سطح رفتار و کنش و هم در سطح درونی، ویژگی‌های متناقض و چندوجهی بروز می‌دهد. او با رفتارهایی خارج از عرف و واکنش‌هایی غیرقابل پیش‌بینی، خواننده را غافلگیر می‌کند و امکان اندیشیدن چندبعدی به ماهیت او را فراهم می‌سازد. در نهایت، جذابیت ضدقهرمان‌ها در همین عدم قطعیت معنایی و پیچیدگی وجودی نهفته است؛ زیرا آنان آینه‌ای از جنبه‌های ناپیدا و متعارض ذات انسانی هستند و در نتیجه، روایتی را که حامل آن‌اند به تجربه‌ای عمیق‌تر و ماندگارتر بدل می‌سازند.

## ۲-۲ نظام کنشی

در روایت با محوریت کنش، ابژه‌هایی ارزشی وجوددارند که که کنش‌گران در پی تصاحب آنها هستند. کنش‌گران یک گفتمان روایی یا فاقد ابژه ارزشی هستند و برای تصاحب آن وارد فرآیندی کنشی می‌شوند یا اینکه صاحب ابژه ارزشی هستند که باز هم بر اساس فرآیندی کنشی و دخالت نیرویی بیرونی و برتر آن را از دست می‌دهند. (شعیری: ۱۳۹۸: ۲۰). در رمان «عرس الزین» هسته مرکزی برای کنش، که بر اساس آن کنشگر دست به اقدام می‌زند ازدواج کردن است. اما این خواستاری در حالت تعلیق و انفصالی/اتصال است. ضدقهرمان بودن شخصیت زین از تاثیر جامعه ای سنتی و خاص سودان در برهه مذکور و کارکرد های خاص اجتماعی و فرهنگی آن ناشی می‌شود. در این نظام خاص داشتن زن و فرزند مطلوب است اما خود جامعه برای زین سدی می‌سازد که گویا به جای شکستن آن توسط زین انتخاب های دیگری نیز برای او مهیا می‌کند. او می‌تواند مدتی از پشت موانع و دیوارها به انتخاب هایش فکر کند و عجله ای برای رسیدن به آن سو نداشته باشد. این هم راستا با این موضوع است که در نظام کنشی ابژه های ارزشی شناخته شده در قالب منطقی شناختی قرار دارند و هر کنش‌گری می‌آموزد که برای تصاحب آنها باید دارای برنامه شناختی باشد. تصاحب این نوع ارزش کنش‌گر را از درون درگراگون نمی‌کند.

## ۲-۳ وجه کنش

وجه یک گزاره روایی نشانگر رابطه ای است که شخصیت مرتبط با یک گزاره با خود آن برقرار می‌کند. گزاره‌هایی که با وجه اخباری بیان می‌شوند کنش‌هایی اند که به راستی روی داده اند در مقابل کنش‌هایی وجود دارد که رخ نداده اما احتمال وقوع آنها وجود دارد. هم چنین بر اساس اراده و خواست می‌توان وجه‌ها را به وجوه مبتنی بر خواست و وجوه مبتنی بر فرض تقسیم کرد. وجوهی که بر خواست مبتنی هستند دو تایند: تحکمی و تمنایی. تحکمی وجه آن گزاره ای است که باید اتفاق بیفتد و خواست و اراده ایست رمزی شده و غیر فردی که قانون جامعه را تشکیل می‌دهد. به این سبب وجه

تحکمی جایگاه ویژه ای دارد. وجه تمنایی به کنشهایی مربوط می‌شود که شخصیت سودایشان را دارد. همچنین حالت سومی وجود دارد که ما اینجا آن را «صرفنظر» مینامیم. صرف نظر حالت خاصی است از وجه تمنایی که ابتدا تصدیق می‌شود و بعد انکار.

بر شخصیت زین پیش از نعیمه، در مواجهه با دخترانی که خواستار ازدواج با آنهاست «وجه تمنایی» حاکم است. او در برابر «وجه تحکمی» جامعه که از قضا برای او استثنا قایل است، می‌ایستد و نسبت به آن بی‌اهمیت است. همچنین موضع او نسبت به همان دختر، وقتی برای خواستگاری می‌آید و شواهد دال بر شوهر کردن اوست وجه صرفنظری پیدا می‌کند.

همچنین می‌توان به زمانی اشاره کرد که امام جماعت در حال خواندن آیه ای از قران برای حاضران است سیف الدین که در مورد زین دچار گمانی ناروا شده، با زین گلاویز می‌شود. این آیه از سورهٔ مریم توسط امام جماعت خوانده می‌شود:

«و درخت خرما را به سمت خود تکان بده آن خرماهای تازه و رسیده‌ای که به روی تو خواهد ریخت.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۸)

در این جا امام جماعت که از قضا رابطه خوبی هم با زین ندارد همزمان با این مشاجره که بعدها ثابت می‌شود مبنای درستی ندارد و سوتفاهم است بیان می‌کند که وصال زین و با نعیمه گزاره ایست که توان اتفاق افتادن دارد و توسط او به صورتی رمزی بیان می‌شود. افتادن خرمای تازه که یاد آور داستان حضرت مریم و محقق شدن خواسته در عین انکار دیگران و ناباوری خود اوست می‌تواند هم ارز با اعتراف امام جمعه به امکان ازدواج زین تلقی شود.

## ۲-۴ نظام گفتمان شوشی

نظام گفتمانی شوشی برای پیشبرد جریان روایی وابسته به عملگرهای کنشی نیست؛ در واقع این نظام معناشناسی در مقابل آنچه گرمس بیان می‌کند وابسته به تغییرهایی ملموس که در روایت رخ می‌دهد نیست (شعیری، ۱۳۹۷: ۱۴۶). هرچند نباید از نظر دور داشت که در این نوع خاص از گفتمان شوشگر سوژه ای نیست که الزاما کنشی ندارد و منفعل است بلکه حضور او در جریان روایت و گفتمان از صافی تجربه شخصی او میگذرد و در دنیای زبان محض رخ می‌دهد. «در نظام روایی کنشی همه چیز با ارزش و تصاحب آن سنجیده میشود. اما در نظامی که کنش جای خود را به شوش میدهد همه چیز با حضور سنجیده میشود. حضور یعنی اینکه با یک شوش گر مواجه هستیم و نه کنش گر.» (گرماس، ۱۳۹۸: ۳۷). زین در رمان «عرس الزین» کنشگری نیست که او را با قهرمان قصه های کلاسیک مقایسه کرد که مدام در حال کنش و واکنش نسبت به جهان بیرون اند و قصه را با عبور از مراحل مشخصی جلو میبرد. او وارد عرصه کنشگری نمی‌شود بلکه حالت اوست که تغییر می‌کند و تغییراتش او را از

خودش در گذشته متمایز می‌کند. زین در وضعیتی شوشی به شمار میرود که بالاترین مرحله حضور خود را تجربه می‌کند و به قول ژاک فونتی «من دومی» برای او قابل تصور کردن نیست. ریتم شوشی سخن (شعیری، ۱۳۹۵: ۹۱). در این داستان آرام پیگیری می‌شود. زین در چند مکان متفاوت، عاشق چند دختر متفاوت می‌شود و در نهایت نعیمه دختر عمویش است که خواستار ازدواج کردن با زین می‌شود. او در این مسیر مضطرب نیست و شکستهایی که می‌خورد او را ناامید نمی‌کند:

«زبان‌ش مرتب به یاد دختران می‌چرخید و صدایشان میزد. بلافاصله گوش‌ها تیز میشد و چشم‌ها به سویی که او حرکت می‌کرد خیره میشد. و بعد از میان آن‌ها سوارکاری پیدا میشد و دستش را به سوی دختر زیبا دراز می‌کرد و دستش را میگرفت. وقتی هم که عروسی سر میگرفت اگر به سراغ زین میرفتی، میدید مشغول پر کردن کوزه یا ظرف دختران است؛ یا با یقه باز و تبر به دست میان حیاط مشغول شکستن هیزم. یا توی آشپزخانه میان زنان می‌چرخد و با آن‌ها شوخی می‌کند. آن‌ها هم به او خوردنی و لقمه‌های چرب و چیلی میدادند تا دهان گشادش را پرکنند. زین با خنده‌هایی که بیشتر شبیه عرعراغ بود بلندبلند می‌خندید و داستان عاشقانه دیگری را آغاز می‌کرد. او همانطور که داستان‌های عشقی‌اش را آغاز می‌کرد به راحتی هم از آن بیرون می‌آمد و در خنده‌ها و دلک بازی‌هایش هیچ تغییری نمیداد (صالح، ۱۳۹۵: ۲۵).

در نتیجه می‌توان مهم‌ترین ویژگی زین را در این دو نظام «تعلیق» نام نهاد. زین بین کنش‌هایی که از خودش و سایر شخصیت‌ها و کنشگران و همچنین فضایی که او را در «شوش» قرار می‌دهد؛ معلق است و روایت نیز به تاسی از او چنین فضایی را می‌سازد.

## ۲-۵ ابداع شوشی - وجه پساتنشی

در نظریه گرماس، «شوش» را می‌توان به عنوان بنیادی‌ترین ساختار معنایی در نظر گرفت که بر پایه تقابل‌های دوگانه (مانند دانایی در برابر نادانی، یا توانستن در برابر ناتوانی) بنا شده است. این تقابل‌ها، چارچوب اولیه‌ای را فراهم می‌کنند که معنای متن از آن پدیدار می‌شود.

«نظام شوشی» مثل کل نقشه بازی است؛ یعنی چگونگی ارتباط و چینش این تقابل‌های اساسی با یکدیگر و با کنش‌های شخصیت‌ها. این نظام به ما نشان می‌دهد که در طول داستان، این تقابل‌ها چگونه تکامل پیدا می‌کنند، تغییر می‌کنند، یا بر هم تأثیر می‌گذارند.

- قهرمان در ابتدا «نادان» است و «ناتوان» از یافتن گنج.
- با کسب «دانایی» (مثلاً با پیدا کردن نقشه)، کم‌کم «توانا» می‌شود.
- ممکن است در نقطه‌ای، «دانایی» بیشتر او را «ناتوان» کند. (مثلاً بفهمد که گنج غیرقابل

دسترس است!)

«نظام شوشی» تمام این مسیر و تغییرات را در قالب روابط بین نادانی/ ناتوانی و توانایی/ ناتوانی نشان می‌دهد. یعنی کل استخوان‌بندی معنایی داستان که چطور این تقابل‌ها در عمل شخصیت‌ها معنا پیدا می‌کنند.

«نظام شوشی» به مجموعه این تقابل‌های بنیادین و روابط پیچیده میان آن‌ها در کل متن اشاره دارد. این نظام، نحوه سازماندهی ارزش‌های معنایی را در طول روایت مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این دوگانه‌ها بر کنش‌ها و تحولات شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارند و چگونه معنا در بستر کل متن تکامل می‌یابد.

ابداع شوشی در مقابل احیای شوشی قرار دارد؛ شوش‌گر در پی احیا می‌خواهد رابطه یا حضوری از دست رفته را احیا کند. در واقع او می‌خواهد چیزی که برای او از دست رفته را بازگرداند. نوستالژی و خاطره برای او مهم هستند. در مقابل شوشگر ابداعی در گذشته به دنبال چیزی نیست. حرکت او در گذشته یا از گذشته نیست. او در حال خلق مدام است. زین در این رمان از نظر زمانی در حال شوش پساتنشی است. یعنی عشق به دخترانی که در گذشته او بودند برای او قابلیت و خاصیت بازآفرینی ندارد. تمام نگاه او منحصرًا رو به آینده است. وقتی دختری که او دوست دارد ازدواج می‌کند پرونده همان جا برای او تمام می‌شود و طولی نمی‌کشد که دختری جدید با عشقی جدید و خواستنی جدید شوش او را هدایت می‌کند. این نوع شوش ریشه در آینده دارد و می‌توان آن را شوش پساتنشی نام نهاد.» (ن. ک شعیری، ۱۳۹۸: ۹۹)

## ۶-۲ نظام گفتمانی کنشی

در «نظام گفتمانی کنشی»، کنش عامل اصلی در فرایند تحول و تغییر معناست. کنش برای دستیابی به هدف خود یعنی دگرگونی معنایی، مستلزم ایجاد نظام مبادله ارزش است؛ به بیانی دیگر، کنش در پی کسب ارزشی مشخص یا قرار دادن آن در چرخه‌ای از تعامل و تبادل است. از این‌رو سه واژه کلیدی برای درک دقیق‌تر این نظام روایی عبارت‌اند از: «کنش»، «ارزش» و «تغییر» (شعیری، ۱۳۹۸: ۱۹).

در وضعیت کنشی، کنشگر در اقدامی عملی می‌کوشد تا بر پایه هدفی معین، امری را تحقق بخشد. اگر در الگوهای کلاسیک روایت، کنشگر آرمانی با ویژگی‌هایی همچون کمال، قدرت و قهرمانی از پیش تعریف می‌شد، «ضدقهرمان» به‌عنوان نوعی کنشگر، این پیش‌فرض‌ها را به چالش می‌کشد. او از ویژگی‌های مطلق کمال بی‌بهره است و به‌جای آن، حامل «نقص» و «تزلزل انسانی» است.

در این معنا، نظام گفتمانی کنشی همواره به دنبال تغییر معناست و شخصیت ضدقهرمان، به دلیل برخورداری از ساختاری پیچیده و غیرماشینی (در تقابل با شخصیت‌های مسطح)، ظرفیت بالایی برای ایجاد تناقض و چالش در روند روایی دارد. جذابیت ضدقهرمان از همین امر ناشی می‌شود؛ زیرا چنین

شخصیتی برخاسته از واقعیت متکثر و نامتعیین انسان است. در هر نظام گفتمانی، هنگامی که کنشگر، ضدقهرمان باشد، «هدف» و «ارزش»هایی که او در پی کسب آنهاست دیگر مفاهیم انتزاعی و مطلق نخواهند بود؛ بلکه با تزلزل، انسانیت و تجربه زیسته پیوند می‌خورند. در نتیجه، دگرگونی معنا در چنین روایتی از مسیر شخصیتی خاکستری و چندوجهی محقق می‌شود.

## ۲. معرفی نویسنده کتاب

طیب صالح (۲۰۰۹-۱۹۲۹) نویسنده سودانی با رمان «فصل مهاجرت به سرزمین شمالی» در سال ۱۹۶۶ به شهرت رسید و پس از آن از سوی منتقدین و نویسندگان عرب با عنوان «نابغه داستان نویسی عرب» و هم‌ردیف با نجیب محفوظ در شمار نویسندگان درجه اول به شمار می‌رود. از جمله رمان‌های او می‌توان به «مربود»، «روشنا بی خانه»، «دومه ود الحامد» و «منسی (فراموش شده)» اشاره کرد. در سال ۲۰۰۱ «مهاجرت به سرزمین های شمالی» از طرف آکادمی عربی در دمشق صاحب عنوان بهترین روایت عربی قرن ۲۱ انتخاب شد علی‌رغم آنکه او بیشتر زمان حیاتش را در اروپا سپری کرده است و یک نویسنده مهاجر محسوب می‌شود، اکثر توصیفات و باز آفرینی‌هایش ترسیم فضای سرزمین و روستایی است که در آن زندگی کرده است. از میان آثار او «عرس الزین» و هجرت به سرزمین های شمالی به فارسی ترجمه شده است.

## ۳. معرفی رمان «عرس الزین»

رمان مشهور رمان «عرس الزین» که در سال ۱۹۶۷ چاپ شده تلفیق ماهرانه صالح از فرهنگ شفاهی سودان با فرهنگ کلاسیک غرب است. شخصیت زین یادآور کاراکتر دلچک شکسپیر است. او ابله و حیوان نماست با برخورداری از موهبت و حساسیت روحانی و چشمانی بینا برای قدردانی و درک زیبایی‌ها. (صالح، ۱۳۹۵:۹) سبک زندگی مردم در روستای زین، بازتاب دهنده زمان خود است اما آنچه برای او اتفاق می‌افتد تماماً ساده و طبیعی نیست. معجزه‌ها و خرافات در میان زندگی مردم همین جامعه ساده جاری هستند و زین بهترین بازتاب دهنده این تضاد است. اشیا و افراد و اتفاقات در قصه به صورت نمادین و سمبولیک به کار گرفته می‌شوند. نیل نماد نعمت است و ازدواج زین با نعیمه که همانند معنای اسمش با وصال با او نوعی تنعم و خوشایندی را به همراه دارد، اولین بار با خواب و پیش بینی حنین درویش روستا به گوش دیگران رسیده است. در این جهان ساده حتی نام‌ها با کارکردها و نقش‌هایشان ارتباط نمادین دارند.

## ۳. خلاصه داستان «عرس الزین»

زین در روستایی کوچک در سودان زندگی می‌کند. او جوانی ساده دل است که اهالی روستا مرتب دستش میاندازند و کسی جدی اش نمی‌گیرد. همیشه به دیگران کمک می‌کند و اعمالش در پی سودخواهی و مصلحت جوئی تعریف نمی‌شود. اهالی روستا به دلیل همین ساده‌دلی و کارهای عجیبش باور نمی‌کنند که او بتواند ازدواج کند و به همین خاطر درخواست‌ها و اقداماتش برای ازدواج، مورد سواستفاده دیگران قرار می‌گیرد. پس از چندین بار عاشق شدن و اظهار علاقه به دختران مختلف، مردم روستا متوجه می‌شوند زین دست روی هر دختری بگذارد با پسری خوب ازدواج می‌کند و بختش باز می‌شود. صداقت آمیخته به بلاهت، شکم بارگی، دوستداری زن‌ها، کمک به دیگران بدون توقع و جدی نگرفتن اتفاقات زندگی از خصوصیات رفتاری اوست. زین از نظر ظاهری پسندیده کسی نیست و حتی توسط دیگران مسخره می‌شود. نام زین در عربی به معنای خوب و زیباست حال آنکه ظاهرش درست برخلاف نامش است. چنین درویشی که در روستا زندگی می‌کند خبر می‌دهد زین با بهترین دختر روستا ازدواج می‌کند.

#### ۴. روش پژوهش و روش تحلیلی

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر مبنای چارچوب نشانه‌معناشناسی مکتب پاریس (الگوی کنشی و شوشی گرماس) تدوین شده است. در این راستا، با تکیه بر تحلیل کیفی محتوا، گزاره‌های روایی و کنش‌های شخصیت «زین» به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شده‌اند تا چگونگی گذار از نظام کنشی به نظام شوشی واکاوی شود. «در دیدگاه متنی بیشتر با برونه و ساختارهای بیانی ملموس مواجه هستیم و معنایابی از طریق آشکارترین نشانه‌های موجود صورت می‌گیرد اما دیدگاه کلامی پای عوامل حسی-ادراکی، دیداری، عاطفی و شناختی را در تجزیه و تحلیل باز می‌کند.» (شعیری، ۱۳۹۷: ۴۲). به‌عنوان نمونه آمیختگی این عوامل، می‌توان در پاراگراف زیر مشاهده کرد:

«و همین که صدای زن‌ها توی گلو خفه میشد، چراغ‌ها را خاموش می‌کردند و مردم به خانه هایشان برمبگشتند و زین سرش را روی سنگ یا تنه درختی میگذاشت و مثل پرنده‌ها کمی میخوابید و زمانی که موذن اذان صبح را میگفت، پیش خانواده اش برمبگشت و مادرش را بیدار می‌کرد تا چایی چیزی درست کند، آن روز صبح با وجود این که موذن اذان صبح را گفته بود ولی زین به خانه برنگشت. افق سمت شرق قبل از طلوع آفتاب قرمز و آفتاب به اندازه قامت یک مرد بالا آمده بود. اما زین هنوز برنگشته بود. مادر زین لرزش خفیفی را سمت چپ بدنش احساس می‌کرد این نشانه خوبی نبود، او اعتقاد داشت هر وقت سمت چپ بدنش بلرزد اتفاق بدی برای او یا یکی از افراد خانواده اش خواهد افتاد. میخواست پیش عموی زین برود که صدای حرکتی را جلوی در حیاط شنید. در باز شد و صدای افتادن چیزی را شنید. ناگهان با صحنه وحشتناکی روبه‌رو شد. به طوری که بلند بلند جیغ کشید

و داد و فریاد می‌کرد. حاج ابراهیم پدر نعیمه که چهار خانه آن طرف تر سر سجاده نشسته و مشغول نوشیدن قهوه اش بود فریاد او را شنید. خانه پر از زن و مرد شده بود، و مادر زین بی هوش روی زمین افتاده بود. مردم دو دسته شدند. عده ای دور مادر زین و عده ای که بیشترشان مردان بودند دور زین جمع شدند. روی سرش زخم بزرگی بود که شکافش تا نزدیکی چشم راستش میرسید.»

برای عوامل و نشانه های برونه می‌توان به وجود قیدهایی مثل همین که، بلند بلند و خفیف اشاره کرد. کوتاهی جملات و استفاده از جملات وصفی نیز طرز خاصی از روایت را سامان می‌دهد و در اثربخشی معنای مورد نظر سهیم هستند. همچنین در سطر های بالا مشخص است که نشانه‌ها و کنش‌ها به منظور پیشبرد دیدگاه مورد نظر نویسنده نقش گرفته‌اند و بدون فکر جای‌گذاری نشده‌اند: لرزش سمت چپ بدن مادر = اعتقاد مادر به اینکه اتفاق بدی برای خودش یا اعضای نزدیک میفتد = شکاف صورت زین و کشیدگی شکافش تا سمت راست = قرمز بودن افق سمت شرق قبل از طلوع آفتاب.

## ۵. تحلیل

### ۱-۵. مقاومت و مماشات

یکی از عوامل شکل‌گیری گفتمان از منظر نشانه‌معناشناسی، مقوله‌ی «روی‌آورد» است. روی‌آورد سبب می‌شود از میان «ممکن» های گفتمانی، یک ممکن خاص انتخاب و برجسته شود؛ بدین ترتیب، کنشگر گفتمانی به سوی ابژه‌ای مشخص متمایل می‌شود که از طریق انتقال آگاهی نهفته در آن ابژه، نظام ارزشی گفتمان را تضمین می‌کند. گفتمان همواره در درون خود انرژی‌هایی تولید می‌کند که به شکل‌گیری روی‌آوردهای متمایز نزد کنشگران می‌انجامد؛ این روی‌آوردها می‌توانند در جهت «مقاومت» در برابر دیگری یا «مماشات» با او جهت‌گیری شوند. در صورت مقاومت یک قلمرو در برابر قلمرویی دیگر، ناگزیر باید شرایط ایجابی تغییر کند؛ در نتیجه، یا شرایط جدید جایگزین می‌شود یا مسیر حرکتی تازه‌ای بر گفتمان گشوده می‌گردد (شعیری، ۱۳۹۴: ۱۱).

در رمان، زین از میان روی‌آوردهای ممکن، جذب «ازدواج» می‌شود. هرچند روی‌آوردهایی فرعی مانند غذا، زندگی روزمره و خوش‌گذرانی با دوستان نیز برای او وجود دارد، اما ازدواج برای او روی‌آوردی حیاتی است؛ زیرا در برابر آن هیچ‌گونه مقاومتی نشان نمی‌دهد و همواره تسلیم آن می‌شود. همین روی‌آورد زمانی که از منظر اعضای روستا امری نامحتمل و حتی «معجزه‌گون» تلقی می‌شود و تمسخر او را برمی‌انگیزد، به شکل نوعی مماشات زین با جریان مخالف بازنمایی می‌گردد:

«عبدالصمد گفت: همانطور است که می‌فرمایید، کاملاً درست است جناب مدیر. امسال سالی غیرعادی است. زن‌هایی که هیچ وقت بچه‌دار نمی‌شدند، بچه‌دار شدند. گاو و گوسفندان دوقلو یا سه‌قلو زاییده‌اند.» شیخ علی در تأیید حرف‌های او معجزات دیگری را که آن سال اتفاق افتاده بود برشمرد و

گفت: «محصول خرما آن قدر زیاد بود که برای حمل آن نتوانستیم کیسه به اندازه کافی تهیه کنیم. برف، چه برفی آن سال بارید! اصلاً فکرش را هم نمی‌کردیم، برف آن هم در یک ده کویری مثل اینجا! عجیب است، خیلی عجیب!» مدیر سرش را تکان داد و عبدالصمد کلمات نامفهومی را زیر لب زمزمه می‌کرد. در واقع بارش برف در آن سال همه را به تعجب واداشته بود. مدیر با همه معلوماتش در علم جغرافیا هیچ دلیل موجهی برای برف آن سال نتوانست پیدا کند. مدیر حرفش را ادامه داد و گفت: «ولی از همه این‌ها مهم‌تر ازدواج زین است.» (صالح، ۱۳۹۵: ۶۸)

حتی تصریح می‌شود که گویی زین اساساً «قابلیت ازدواج» ندارد: «مدیر گفت: موضوع عجیبی‌ست، دوست عزیز. تعجب می‌کنم چطور حاج ابراهیم قبول کرده! زین مرد درویشی است، نباید ازدواج کند.» (صالح، ۱۳۹۵: ۷۰)

در این‌جا، «درویشی» زین در برابر توانش او برای ازدواج قرار می‌گیرد و نوعی مقاومت نرم اجتماعی در برابر تحقق روی آوردن ازدواج شکل می‌گیرد.

در «عرس الزین» این مقاومت از زبان شیخ علی به گونه‌ای دیگر بیان می‌شود. به نظر او، زین در عین توانایی، از هم‌خواه‌شدن با هر زنی جز نعیمه خودداری کرده است. در این‌جا، علاوه بر مقاومت اجتماعی، عنصری درونی نیز در کنشگر وجود دارد که او را از زنانی که از راهی جز ازدواج می‌توانسته‌اند با او باشند، بازمی‌دارد و نوعی «مقاومت درونی» در او ایجاد می‌کند:

«شیخ علی به حاج عبدالصمد گفت: در همه عمرم عروسی به این باشکوهی ندیده بودم. حاج عبدالصمد گفت: «شرط می‌بندم زنم را طلاق بدهم اگر زین توی حجله پیش عروس نرود. این عروسی به حق و درستی است.»» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

نکته قابل توجه این است که برخلاف انتظار، این مماشات و تردیدها، حتی در نقطه اوج روایت، کنشگر را از حرکت باز نمی‌دارد و حضور به‌هنجار او در جریان کنشگری را مخدوش نمی‌کند. مماشات او با گفتمان مخالف، مانع تثبیت جایگاه ضدقهرمانانه‌اش نمی‌شود و او را ناگزیر به «ترمیم» وجهه خود در چشم دیگری نمی‌سازد. زین سیال است و همواره در حرکت: «نمی‌توانست یک جا بند شود و چون ابری تمام روز در سرتاسر روستا در حال پرسه زدن بود.»

(صالح، ۱۳۹۵: ۲۴)

حرکت زین برای یافتن همسر، کنشی است که سدی در برابر آن متصور نیست. هر بار دختری را که می‌خواهد از دست می‌دهد، بی‌وقفه جایگزینی برای او می‌یابد و کنش خود را با ابژه‌سازی محبوب تازه ادامه می‌دهد. گویی جواهری همواره حاضر در وجود اوست که برای استمرار خود، زمان و مکان دیگری می‌یابد. زین در برابر هرگونه «از دست‌دادن» مقاومت نشان می‌دهد و «جوهر کنش» او را به سمت کنش دیگری هدایت می‌کند.

مماشات کنشگری که نقش ضدقهرمان را هم بر عهده دارد، می‌تواند از دخالت «دیگری» در فرآیند حضور مؤثر او ناشی شود. گاه کنشگر در مسیر حرکت خود دچار گسست در یکپارچگی شده و با تضعیف موقعیت مواجه می‌گردد. مماشات تلاشی است برای ترمیم جراحتهایی که در اثر جدایی میان «من» و «خود» رخ می‌دهد. برای مثال، وقتی زین عاشق دختر کدخدا می‌شود، کدخدا با سوءاستفاده از احساسات او، نوعی مماشات فریبکارانه را به او تحمیل می‌کند:

«آهای زین، اگر تا شب خوب کار کنی عزه را به عقد تو در می‌آورم!» کارگران از این که کدخدا دل به دل زین می‌داد، می‌خندیدند. اما زین ساکت بود و چیزی نمی‌گفت و با چهره‌ای جدی و توجهی خاص، بی‌آن که احساس خوشحالی کند، با قدرتی تمام و پی‌درپی، کلنگش را در دل زمین فرو می‌برد. یک ماهی از این ماجرا نگذشته بود، زین مرتب از عشق عزه می‌گفت و این که پدرش قول مساعد داده تا دخترش را به عقد او درآورد. کدخدا خوب می‌دانست چطور از احساسات زین سوءاستفاده کند و کارهای سخت و طاقت‌فرسایی که حتی جن‌ها را هم از پا درمی‌آورد به او بدهد...» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۳)

پس از آن که خبر نامزدی عزه با دیگری منتشر می‌شود، زین بدون ناله و فریاد، روایت عاشقانه دیگری را آغاز می‌کند:

«... بعد از شنیدن این خبر، زین چیزی نگفت و بدون هیچ نق و گله‌ای، داستان عاشقانه دیگری را آغاز کرد. یک روز صبح باز مردم ده با داد و بیداد زین از خواب بیدار شدند که می‌گفت: «من عاشق دختری از قبیله قوز شده‌ام.»» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۳)

این مماشات تا جایی در شخصیت زین جایگزین نیروهای کنشگر می‌شود که او موقتاً سوژه ارزشی خود را رها می‌کند و نوعی سبکی و رهایی ظاهری به دست می‌آورد:

«زین با خنده‌هایی که بیشتر شبیه عرعر الاغ بود، بلند بلند می‌خندید و داستان عاشقانه دیگری را آغاز می‌کرد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۵).

## ۲-۵ ویژگی‌های مقاومت و تعرض بر اساس کارکرد رابطه‌ای

هر جریان گفتمانی در گستره‌ای مشخص (زمانی، مکانی یا مادی) عمل می‌کند. در این سطح، گفتمان از حیث گستره، رشدی کمی می‌یابد. زین در مقام کنشگر، می‌تواند ابعاد مختلف نفوذ در دیگران را تجربه کند؛ برای نمونه، او مرز میان روستای خود و قبیله‌ی قوزی‌ها را که سال‌هاست با روستا ارتباطی نداشته‌اند، می‌شکند:

«این بار لیلای او دختر جوانی از اعراب بدوی بود که کنار ساحل نیل در شمال سودان زندگی می‌کردند... از آنجا که خود را عرب‌های اصیلی می‌دانستند، با ساکنین محلی و مردمان آنجا ازدواج

نمی‌کردند، هرچند اهالی روستا آن‌ها را بادیه‌نشینانی بی‌فرهنگ به حساب می‌آوردند.» (صالح، ۱۳۹۵: ۲۳)

به این ترتیب، کنش عاشقانه‌ی زین، در سطح رابطه‌ای، کارکرد «تعرض» به مرزها و گشودن گذرگاه‌های تازه میان قلمروها را به عهده می‌گیرد؛ تعرضی که نه از موضع قهرمان کلاسیک، بلکه از موضع ضدقهرمانی حاشیه‌نشین و مضحکه‌شده صورت می‌گیرد.

### ۳-۵ تفاوت‌های شخصیت زین و نعیمه

عشق نعیمه به زین، او را وارد وحدتی غیرمنتظره می‌کند که تجلی عینی آن در مراسم عروسی به اوج می‌رسد:

«آن روز چیزهای ضد و نقیض با هم یک‌جا جمع شده بودند؛ دختران حاشیه کویر جلوی چشم امام‌زاده می‌زدند و می‌رقصیدند.» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۰۶)

برخلاف زین، نعیمه نماد کنشگری مقبول و معقول در بافتار سنتی است:

«او با عصبانیت گفت: قسم می‌خورم زین با دختری ازدواج می‌کند که به‌خوبی از پس تر و خشک‌کردنش بر بیاید.» (صالح، ۱۳۹۵: ۹۵)

در این جامعه‌ی سنتی، نعیمه در عین حال کنشگری است که «خودش انتخاب می‌کند» و از منطق فرمان‌برداری صرف فراتر می‌رود:

«... اما برادر کوچکتر، در مخالفت با آن‌ها موافقتش را این‌طور اعلام کرده: از آن‌جایی که نعیمه دختر خودرأی و لجوجی است و در حال حاضر خودش نامزدش را انتخاب کرده، پس او را به حال خودش بگذارید.» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۰۰)

با عروسی زین، میل او به زنان دیگر از بین می‌رود. او در همه‌ی جشن‌های پیشین، به‌خوبی صدای زنان را تشخیص می‌داد؛ اما این‌بار:

«زین اگر عروسی خودش نبود، صدای تک‌تک زن‌ها و کل و هلهله‌هایشان را تشخیص می‌داد.» (صالح، ۱۳۹۵: ۱۰۱)

عشق نعیمه به زین عناصر پیچیده‌ای دارد. چگونگی این انتخاب از زبان حلیمه شیرفروش چنین روایت می‌شود:

«نعیمه یک شب حنین را در خواب می‌بیند که به او گفته: با زین عروسی کن، مطمئن باش دختری که با زین عروسی کند پشیمان نخواهد شد. و او هم صبح که از خواب بیدار می‌شود، داستان را برای پدر و مادرش تعریف می‌کند. آن‌ها هم بعد از صلاح و مشورت موافقتشان را اعلام می‌کنند.» (صالح، ۱۳۹۵: ۹۹)

زین به عنوان یک عامل فاعلی در «فرآیندی معکوس» قرار دارد و در این روایت، بین سیر نزولی و صعودی در حال نوسان است؛ او مدام از وصال به انفصال تنزل می‌کند و عبور واپس‌گرایانه‌ای را تجربه می‌کند (شعیری، ۱۳۹۷: ۹۲). با این حال، در این کنش پارادوکسیکال منفعل و آزرده نمی‌شود؛ وصال برای او هدف نهایی نیست. گسستگی او از وضعیت پیشین به وضعیت پسین، با نعره‌ای آغاز می‌شود؛ این شوک کلامی، قطع شدن استمرار را با وصالی محقق‌نشده و ورود به فرآیندی تازه نشان می‌دهد.

#### ۵-۴ ریتم شوش

«ریتم شوش» در یک گفتمان، با زمان وقوع کنش‌ها نسبت مستقیم دارد. زمان متشکل از رخدادهایی است که ظاهراً همچون حلقه‌های زنجیر به هم متصل‌اند. زمان ساعتی (غیرروایی) مانند سایر شکل‌های زمان‌های انتزاعی و منظم، همواره به خودش ارجاع می‌دهد؛ در مقابل، مقیاس «زمان روایی» را رخدادهای اتفاقات تشکیل می‌دهند. زمان ساعتی الزاماً با بازه‌های منظم مشخص می‌شود، در حالی که طول زمان روایی لزوماً دقیقاً مشخص نیست. با افزودن جزئیات میان کنش‌ها می‌توان روند روایت را کش داد و زمان روایی را کند یا تند کرد (ابوت، ۱۳۹۷: ۲۹).

زمان در روایت زین، متناسب با کنش‌های او، نوعی حالت تعلیق دارد، اما نسبت به شوش‌های موجود در روایت، شتاب بیشتری نشان می‌دهد. زندگی زین، در قیاس با تلاش‌هایی که برای رسیدن به نعیمه - به مثابه «پایان» فرآیند روایی - انجام می‌دهد، کند و رخوت‌انگیز است؛ اما در قیاس با رخدادهایی که او را دربر گرفته‌اند و حضورش را متأثر می‌سازند، نسبتاً پویاست. شوش‌گر سوژه‌ای است که نسبت او با دنیا و چیزها، نه بر اساس تصاحب و تملک آن‌ها به مثابه ایژه‌های ارزشی، بلکه بر اساس رابطه‌ای مبتنی بر احساس، ادراک متقابل، هم‌حضور و هم‌آمیختگی تعریف می‌شود. شوش دارای ریتم و ضرب‌آهنگ است؛ چرا که کند و تند، شدید و ضعیف می‌شود؛ دارای میزانی از وضوح و ابهام یا آشکاری و ناآشکاری است؛ چون با حضور و غیاب پیوند دارد. همچنین در ارتباط با مقوله گستره، شوش می‌تواند دورتر یا نزدیک‌تر به شاهد خود باشد، فضای گسترده‌تر یا محدودتری را اشغال کند و دارای قدرت نشر بیشتر یا کمتری باشد (شعیری، ۱۳۹۸: ۹۷).

برای زین، دخترانی که او برای عشق‌ورزیدن برمی‌گزیند، سوژه‌های ارزشی او هستند. ریتم شوش نزد او ناگهانی است؛ جز نعیمه، دخترعمویش، تقریباً هیچ‌یک از محبوبان زین پیش‌تر برای او شناخته شده نیستند. شدت و فشاری که در این عشق‌های ناگهانی بروز می‌کند، بسیار زیاد است؛ تا جایی که گاه با «نعره‌کشیدن» همراه می‌شود. محبوبان او متکثرند و تا هنگامی که زین خود، «انتخاب» نشده است، هیچ محدودیتی در این انتخاب‌ها وجود ندارد؛ او در هیچ محبوبی فرو نمی‌ماند تا سرانجام خود توسط نعیمه انتخاب می‌شود. پیش از آن، زین با نقصان محبوبی که به او عشق بورزد مواجه است و در

نوعی آشفتگی به سر می‌برد؛ از این‌رو، با شیوه‌های مختلف می‌کوشد این نقص را جبران کند؛ از جمله با گم و گورشدن و شب‌گردی‌های افراطی:

«ام زین نگران بود که پسرش شب را کجا می‌ماند. زین مثل روح سرگردانی بود که نمی‌توانست یک جا بند شود. هر وقت جایی مراسم عروسی بود، یا میان قبیله‌ی طلحه یا میان اعراب قوز پرسه می‌زد، فرقی نمی‌کرد کجای رودخانه باشد؛ پایین رود بود یا بالای آن. نه باد و طوفان شبانه و نه طغیان رود نیل هیچ‌کدام نمی‌توانست او را در خانه زندانی کند. گوشش را تیز می‌کرد؛ به حساسیت بی‌نظیری که داشت صدای کل و لهله‌ی زنان را از فرسخ‌ها می‌شنید.» (صالح، ۱۳۹۵: ۴۱)

در مقابل، نعیمه - به عنوان قطب مقابل زین - انتخاب‌هایی کاملاً متفاوت دارد:

«نعیمه وقتی با خودش تنها می‌شد و فکر ازدواج به ذهنش می‌رسید، این احساس به او دست می‌داد که ازدواج بی‌مقدمه و ناگهانی کار درستی نیست. این سرنوشتی است که خدا برای بندگانش مقدر فرموده.» (صالح، ۱۳۹۵: ۳۹)

این همان مفهومی است که شعیری در کتاب نشانه‌معناشناسی ادبیات چنین توصیف می‌کند: «سوژه‌ی شوشی یا نوستالژی حضور معنا ساز دارد و یا در انتظار پیوند با معنای کمال‌یافته‌ی چیزهاست.» (شعیری، ۱۳۹۸: ۱۰۱)

#### نتیجه

با توجه به بررسی کنش‌های شخصیت زین در رمان «عرس الزین» بر اساس رویکرد نشانه‌معناشناسی و الگوی کنشی-شوشی گرماس، نتایج زیر به دست آمد:

شخصیت زین در ساختار روایی داستان جایگاهی متفاوت از قهرمان کلاسیک دارد و بیشتر در قالب یک ضدقهرمان ظاهر می‌شود. او با وجود جایگاه حاشیه‌ای در جامعه و رفتارهای غیرمتعارف، در شبکه روابط روایی نقش فعالی ایفا می‌کند و کنش‌هایش به گونه‌ای است که مسیر روایت را دگرگون می‌سازد. بدین ترتیب، زین نه قهرمانی آرمانی بلکه شخصیتی است که با ویژگی‌های خاص خود در پیشبرد روایت و شکل‌گیری معنا نقش محوری دارد. همچنین میان نظام کنشی و نظام شوشی در روایت «عرس الزین» رابطه‌ای پویا برقرار است. کنش‌های زین در سطح نظام کنشی موجب شکل‌گیری روابط تازه میان کنشگران روایت می‌شود و در سطح نظام شوشی نیز با ایجاد تنش‌های عاطفی و معنایی، ریتم روایت را تغییر می‌دهد. این تعامل نشان می‌دهد که حرکت شخصیت زین میان وضعیت‌های مختلف روایی، به تولید معنا در متن کمک می‌کند. بررسی روایت نشان داد که برخی لحظات برجسته در داستان، مانند نعره‌های ناگهانی زین، به منزله گسست‌های معنایی عمل می‌کنند و نوعی دگرگونی در

وضعیت عاطفی و معنایی روایت پدید می‌آورند. این لحظات در واقع پیوند میان نظام کنشی و نظام شوشی را آشکار می‌کنند و سبب می‌شوند که روایت از یک وضعیت معنایی به وضعیت دیگر گذار کند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که شخصیت زین در این داستان نه تنها در سطح کنش روایی بلکه در سطح تنش‌های عاطفی و معنایی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. از این رو، تحلیل شخصیت او با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌معناشناسی گرماس نشان می‌دهد که ضدقهرمان می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری ساختار معنایی روایت و گسترش ظرفیت‌های تفسیری متن عمل کند.

### منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۹۲). نشانه‌شناسی. تهران: دفتر نشر آگه.
- پورتر ابوت، اچ. (۱۳۸۸). سواد روایت. ترجمه محمدعلی پاینده. تهران: اطراف.
- تادیه، ایو. (۱۳۶۶). نقد ادبی در قرن بیستم. ترجمه پرویز شهدی. تهران: نیلوفر.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۹۵). بوطیقای نشر. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۴). مقاومت، ممارست و مماشات گفتمانی: قلمروهای گفتمان و کارکرد نشانه-معناشناختی آن. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۱۶(۱)، ۱۱۰-۱۲۸.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۶). تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۷). مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۸). نشانه‌معناشناسی در ادبیات. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- صالح، طیب. (۱۳۹۵). عروسی زین. ترجمه: صادق دارابی. تهران: بوتیمار.
- گرماس، آلژیرداس ژولین. (۱۳۹۸). نقصان معنا: عبور از روایت‌شناسی ساختارگرا به زیبایی‌شناسی حضور. ترجمه حمیدرضا شعیری. تهران: نشر خاموش.



## دراسة فعل اللابطل في المنظومتين الفعلية والوجدانية عند غريماس في رواية «عرس الزين» للطبيب صالح

زهرا كلابي زاده<sup>١</sup>، حميدرضا شعيري<sup>٢</sup>، ناصر نيكوبخت<sup>٣</sup>

<sup>١</sup> طالبة دكتوراه، قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة تربيت مدرس، طهران، إيران.

<sup>٢</sup> أستاذ، قسم اللغة الفرنسية، كلية العلوم الإنسانية، جامعة تربيت مدرس، طهران، إيران.

<sup>٣</sup> أستاذ، قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة تربيت مدرس، طهران، إيران.

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة:	تُعد رواية «عرس الزين» للطبيب صالح من أبرز أعمال الأدب العربي المعاصر، حيث تقدم، من خلال تمثيل الحياة الاجتماعية والثقافية لسودان الريف، بنية رمزية متعددة الطبقات للعلاقات الإنسانية. تتعد شخصية «الزين» في هذا السرد، بفعل سلوكياتها غير التقليدية وموقعها الاجتماعي الخاص وطريقة تفاعلها مع الآخرين، عن النموذج البطولي الكلاسيكي لتظهر في قالب شخصية لابطة (شبه مضادة للبطل). يعتمد هذا البحث على مقارنة السيميائيات العاطفية لمدرسة باريس، ويستثمر النموذج العاملي لغريماس من أجل تحليل أفعال شخصية «الزين» وفق المنظومتين: الفعلية والوجدانية داخل هذه الرواية. تتبع الدراسة المنهج الوصفي-التحليلي، وقد جُمعت بياناتها من خلال المصادر المكتبية. تُظهر النتائج أن أفعال الزين لا تخضع، في معظم الحالات، للنمط البطولي التقليدي؛ بل تبرز سلوكياته على أنها نوع من الانقطاع أو الخرق في النظام السردية. تحدث هذه الانقطاعات، لا سيما في لحظات مثل صرخات الزين المفاجئة، توليداً للتوتر الدلالي داخل الحكاية، وتهيئ أرضية الانتقال من وضعية دلالية إلى أخرى. وخلاصة القول، إن شخصية الزين لا تضطلع بدور محوري في دفع السرد على مستوى المنظومة الفعلية فحسب، بل تؤدي على مستوى المنظومة الوجدانية، وظيفة جوهرية في تشكيل المعنى وتحوّل العلاقات السردية عبر إيقاعات عاطفية وتوترية.
مقالة محكمة	
تاريخ الوصول:	١٤٤٧/٠٧/١٦
تاريخ القبول:	١٤٤٧/٠٨/١٨
الكلمات المفتاحية:	اللابطل، السيميائيات السردية، المنظومة الفعلية، المنظومة الوجدانية، «عرس الزين»، الطبيب صالح.

الاقْتِباس: كلابي زاده، ز. شعيري، ح. نيكوبخت، ن. (١٤٤٧). دراسة فعل اللابطل في المنظومتين الفعلية والوجدانية عند غريماس في

رواية «عرس الزين» للطبيب صالح، مقالة محكمة، السنة ٢، العدد ٢، صص ٢٧١-٢٩٩.

DOI: 10.22034/jisall.2026.579026.1113

حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.



## **Examining the Anti-Hero's Action in the Actantial–Tensive System of Greimas in Tayeb Salih's Novel *The Wedding of Zein***

Zahra Golabi Zadeh, (corresponding author), PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: g\_zahra@modares.ac.ir

Hamidreza Shairi, Professor, Department of French Language, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Naser Nikobakkht, Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

### **Introduction**

Tayeb Salih's novel *The Wedding of Zein* is a landmark work of contemporary Arabic literature that presents a symbolic and multilayered structure of human relations by portraying the social and cultural life of Sudanese villages. The character of Zein, due to his unconventional behavior, unique social position, and manner of interacting with others, deviates from the classical heroic model and emerges as a figure close to an anti-hero. While previous studies have examined Salih's works from various perspectives, a comprehensive analysis of Zein's character focusing on the interaction between the actantial system (based on action and narrative structures) and the tensive system (based on tension, emotions, and subjective states) within the framework of Greimasian semiotics remains largely overlooked. This study seeks to address this gap by examining how Zein's actions function within both systems. The research aims to answer three questions: (1) What position does Zein occupy in Greimas's actantial model, and how is he represented as an anti-hero in the narrative? (2) How can the relationship between the actantial system and the tensive system in the formation and signification of Zein's character be explained? (3) What semiotic function does the "sudden cry" (*na'rah*), as a narrative rupture and tensive phenomenon, serve in Zein's transition from one semantic system to another?

### **Methodology**

This study adopts a descriptive-analytical method based on the Paris School's semiotic approach, utilizing Greimas's actantial and tensive models as its theoretical framework. Data were collected through library-based sources. The analysis procedure involved: (1) identifying the narrative propositions and actions of Zein as the unit of analysis; (2) examining Zein's position within the actantial model (subject/object, sender/receiver, helper/opponent); (3) analyzing the tensive dimensions of his character, including emotional rhythms, sudden ruptures, and the concept of "presence"; and (4) investigating the dynamic interaction between the actantial and tensive systems in the production of meaning.

## Results and Discussion

The analysis reveals that Zein's actions in many instances do not follow the conventional heroic pattern, and his behaviors appear as a kind of rupture in the narrative order. The findings demonstrate that Zein occupies a unique position in the actantial model. Marriage functions as the central value-object (*objet de valeur*) for which he strives, yet his pursuit is characterized by suspension and paradox. Unlike classical heroes who actively overcome obstacles, Zein exhibits a form of "toleration" (*mumārasah*) toward opposition. The villagers initially mock his attempts at marriage, considering it impossible, yet he persists without resentment.

Zein's anti-heroic nature is evident in his paradoxical characteristics. He is described as physically unattractive (contradicting his name, which means "good" or "beautiful"), yet possesses superhuman strength. He engages in gluttony and morally questionable acts, yet maintains a deep connection with nature and the mystic Hanin, the village's only righteous figure. He is ridiculed by society yet serves as a catalyst for opening the fortunes of young women seeking marriage. This set of binary oppositions (hero/anti-hero, strength/weakness, sacred/profane) constitutes the foundational structure of meaning in the narrative.

At the actantial level, Zein's actions are motivated by a "desiderative modality" (*vouloir faire*) prior to his engagement with Naima. He stands indifferent to the "prescriptive modality" (*devoir faire*) of traditional society, which paradoxically makes an exception for him. The character Hanin functions as a crucial helper (*adjuvant*), providing the motivational force for change. The imam, by contrast, emerges as an opponent (*opposant*), jealous of Zein's relationship with Naima. The names of characters are symbolically linked to their actions: Hanin (compassion), Sayf al-Din (sword of religion, who repents), and Halima (forbearing, who sells milk, *halib* in Arabic).

At the tensive level, Zein is not defined by his actions but by his states of being. His "presence" (*présence*) in the world, rather than his acquisition of value-objects, shapes the narrative. Zein experiences a "post-tensive" tension (*tension post-tensive*), oriented entirely toward the future. When a beloved girl marries another, he immediately moves on to a new love without nostalgia or regret. His sudden cries (*na'rah*) function as semantic ruptures, marking the transition from one state to another.

## Conclusion

This study demonstrates that Zein's character in *The Wedding of Zein* occupies a position distinct from the classical hero, emerging clearly as an anti-hero. Despite his marginal social status and unconventional behavior, he plays an active role in the network of narrative relations, and his actions transform the narrative trajectory. The relationship between the actantial

system and the tensive system in the novel is dynamic and interactive. Zein's actions at the actantial level generate new relations among narrative actants, while at the tensive level, they alter the narrative rhythm by creating emotional and semantic tensions. This interaction shows that Zein's movement between different narrative states contributes significantly to the production of meaning. The sudden cries (*na'rah*) function as semantic ruptures that create transformations in the affective and semantic state of the narrative, revealing the connection between the two systems and facilitating the transition from one semantic state to another. Ultimately, Zein plays a crucial role not only at the level of narrative action but also at the level of emotional and semantic tensions. Thus, analyzing his character through Greimas's semiotic approach demonstrates that the anti-hero can function as an effective agent in shaping the semantic structure of narrative and expanding its interpretive capacities.

### References

- Abbott, H. P. (2009). *Narrative literacy* (M. Payandeh, Trans.). Atraf Publications. {In Persian}
- Ahmadi, B. (2013). *Semiotics*. Agah Publishing. {In Persian}
- Greimas, A. J. (2019). *The deficiency of meaning: From structuralist narratology to the aesthetics of presence* (H. R. Shairi, Trans.). Khamoush Publications. {In Persian}
- Salih, T. (2006). *Urs al-Zayn* [The wedding of Zein]. Dar al-Awdah. {In Arabic}
- Shairi, H. R. (2015). Resistance, perseverance, and discursive toleration: Discourse territories and their semiotic function. *Iranian Journal of Sociology*, 16(1), 110-128. {In Persian}
- Shairi, H. R. (2016). *Analysis of semiotic discourse*. Tarbiat Modares University Press. {In Persian}
- Shairi, H. R. (2017). *Foundations of modern semantics*. Samt Publications. {In Persian}
- Shairi, H. R. (2018). *Semiotics in literature*. Tarbiat Modares University Press. {In Persian}
- Tadie, Y. (1987). *Literary criticism in the twentieth century* (P. Shahdi, Trans.). Niloufar Publications. {In Persian}
- Todorov, T. (2016). *The poetics of prose* (N. Fakouhi, Trans.). Ney Publishing. {In Persian}